

بررسی نشانه گذاری در سه ترجمه جدید از قرآن کریم

دکتر محمد دانشگر
عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)
گروه ادبیات و هنر

چکیده

کاربرد نشانه گذاری در نوشته های فارسی، در شکل رایج کنونی، سابقه و پیشینه چندان زیادی ندارد. از آنجا که عمدتاً و غالباً این نشانه ها با تعریضها و کاربردهای زبان انگلیسی و در قالب متون ترجمه شده به نوشته های فارسی راه پیدا کرده است، در بیشتر موارد و بدون توجه دقیق، در کاربرد آنها سلیقه های متفاوتی دخل و تصرف می کند.

با توجه به اهمیت فوق العاده ترجمه های قرآن به زبان فارسی، این مقاله در صدد این است که کاربرد برخی از این نشانه ها را بر اساس تعریضها و کاربردهای مشخص و بدون دخالت سلیقه و تفنن های فردی و ذوقی، در سه ترجمه جدید از قرآن بررسی کند؛ باشد که باعثی بر به کارگیری دقت نظر در نوشته های علمی و رسمی گردد.

مقدمه

گرچه در باره نشانه‌گذاری در نوشته‌های فارسی گفته شده است که از روزگاران گذشته و در نسخه‌های خطی نیز کاربرد این نشانه‌ها سابقه و پیشینه دارد، اما باید گفت که بواقع نشانه‌گذاری با این شکل و گونه متنوع کاربرد امروزی در زبان نوشتاری فارسی بدون تردید به تدریج از دوره ترجمه در عصر جدید از زبانهای فرنگی به نوشته‌های فارسی راه پیدا کرده است.^۱

هدفهای چندی برای ضرورت و بایستگی استفاده از این نشانه‌ها گفته شده است که مهمترین و عمده‌ترین آنها را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

هدف از نشانه‌گذاری در نوشته، سریعتر، آسانتر و درست‌تر خواندن است به گونه‌ای که اولاً نیاز نباشد یک نوشته را بیش از یک بار بخوانیم تا به مفهوم آن پی ببریم؛ ثانیاً هنگام خواندن، دچار اشتباه نشویم که مثلاً آیا این کلمه مضاف است و کلمه بعدی مضاف‌الیه و یا اینکه میان این دو کلمه، کدامیک از دو حالت مکث کوتاه یا بلند یا اتصال و... را باید درکار بست.

علاوه بر اینها، از آنجا که در نوشته، ما از اشارتهای چهره، شفاهی، گفتاری کلام، تکیه بر جزئی از کلمه یا جمله و لحن و ادای خاص مورد نیاز برخی از گونه‌های کلام مثل جمله‌های پرسشی و تعجبی و... بی‌بهره هستیم، ضرورت کاربرد و استفاده از این نشانه‌ها دوچندان می‌شود؛ پس به دیگر سخن، کاربرد نشانه‌ها در نوشته با هدف و تعریفی مشخص انجام می‌شود که بیان هر یک از این هدفها در جای خود و توجه به موارد درست به کارگیری نشانه‌ها، سلیقه‌ای بودن، تفنیی به کاربردن و... را از بین می‌برد و در عوض، علمی بودن، حتی فنی و تخصصی بودن آن را محرز می‌سازد.

بر اساس این ملاحظات اساسی که بیان شد، مسأله دو جنبه به خود می‌گیرد:

(۱) از جانب نویسندگان که موظف است در کاربرد و بهره‌گیری از این نشانه‌ها دقت لازم را به عمل آورد تا مبادا خلل و سستی در ادای مفهوم، مطابق آنچه در ذهن است، روی دهد.

(۲) از جانب خواننده که می‌تواند و بتواند به بودن یا نبودن هر نشانه‌ای هنگام خواندن

متن، آن چنان اعتماد کند که مطابق تعریفها و هدفهای مشخص، وجود هر نشانه را در جای خودش، نشانی از لزوم و ضرورت کاربرد آن تلقی کند و نبودن آن را نیز به معنای بی‌نیازی از وجود نشانه، و در این مسیر تا آنجا پیش برود که هنگام قرائت و خواندن هر متن و عبارت، دقیقاً هر نشانه را در معنای خاص خود به کار ببرد؛ به عنوان مثال، نقطه را پایان جمله تلقی کند، ویرگول را نشانی از مکث کوتاه، لازم و ضروری که از جانب نویسنده به خواننده القا می‌شود، نشانه سؤال را برای جمله‌های پرسشی مستقیم و...

متأسفانه علی‌رغم اینکه در زبان انگلیسی درباره این نشانه‌ها و کاربرد دقیق آنها در نوشته کتابها نوشته شده،^۲ اما تاکنون برای انتقال دقیق تعریفها و هدفها و با توجه به ساختار ویژه زبان فارسی و دستور زبان آن، کوششی جدی به عمل نیامده است. البته در برخی کتابهای آیین‌نگارش فارسی تعریف نشانه‌ها و هدف از بهره‌گیری آنها به‌طور کلی آمده و موارد استفاده‌های جزئی هم تا حدودی بیان گردیده است^۳ اما از آنجا که در اصل تعریف و نیز چگونگی کاربرد، اتفاق نظر کمتری وجود دارد، پاره‌ای تناقضها و ضد و نقیض‌گویی و نیز بی‌توجهی در بیان مسائل و موارد و ناهمخوانی تعریف با مثالها آن چنان به چشم می‌خورد که خواننده را دچار حیرت و سرگردانی می‌کند. بگذریم که برخی نیز به صرف رونویسی از کتابهای دیگر بسنده کرده و حق آن را فروگذارده‌اند.

در این مقاله کوششی - هرچند مختصر و گذرا - به عمل آمده تا بررسی شود وضعیت کاربرد این نشانه‌ها با توجه به تعریف و کاربرد دقیق هر یک (که به وجود آنها اشارتی رفت) در سه ترجمه جدید فارسی از قرآن مجید، که اخیراً به همت و تلاش استادان فن به عمل آمده، چگونه است، آیا هر نشانه در جای ویژه خود، آن‌گونه که باید، مورد استفاده قرار گرفته یا خیر؟ اگر چنین است، تفاوت هر یک از ترجمه‌ها در این مورد با یکدیگر تا کجاست؟ باشد که این بررسی، مقدمه‌ای فراهم آورد و توشه و بهره‌ای فراراه طالب علمان و معیاری در خصوص این کاربرد بگذارد.

برای پرهیز از اختلاط نا به جا و نیز مشخص بودن معیار بررسی در هر زمینه و میزان دقت و عدم دقت در کاربرد هر یک از نشانه‌ها ابتدا بی‌اختلافترین تعریف و کاربرد از هر نشانه بیان می‌شود و سپس نمونه‌هایی ارائه می‌گردد. نگارنده خود به این مسأله آگاه

است که برخی از نکته‌های جزئی و ریز نیز، هم در تعریف و هم در کاربرد نشانه‌ها، وجود دارد که می‌توان از آن به سلیقه تعبیر کرد تا بحث در یک چهارچوب و معیار علمی؛ لذا از طرح چنین مسائلی تا آنجا که بشود پرهیز خواهد کرد.

موضوع دیگر این است که آوردن تمام نمونه‌ها و یا نمونه‌های فراوان که حاکی از استقصا و تفحص کامل باشد، عملاً و با توجه به حجم مقاله امکانپذیر نیست، لذا بناچار به نقل نمونه‌هایی در هر مورد بسنده می‌شود؛ باشد که از راه به دست دادن نمونه‌ها آگاهی و اطلاع اجمالی حاصل آید.

دفع دخل مقدر دیگر این است که روال و شیوه جمله‌بندی یا ساختار جمله (نحو) در زبانهای فرنگی - که خاستگاه عمده نشانه‌هاست - با زبان عربی و نیز زبان فارسی کاملاً متفاوت است؛ بنابراین باید تعریف و کاربرد هر یک از نشانه‌ها با توجه به حفظ مفهوم اصلی در چهارچوب و قالب ساختار جمله‌ای که در حال حاضر در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مورد نظر باشد نه اینکه صرفاً بر تعریفها و کاربردهای اولیه آن تکیه شود و در این مقاله نیز همین اهمیت و تکیه مورد توجه است؛ یعنی توجه به قالب نگارش فارسی امروز همراه با به کارگیری درست نشانه‌ها در نوشته. (این نکته تا پایان مقاله و در تمام مثالها همواره مورد نظر خواننده محترم قرار خواهد گرفت.)

به همین دلیل در بسیاری از موارد، نه تنها این نوع نشانه‌ها، بلکه هیچ نشانه دیگری نیز نخواهد توانست به ادای مفهوم آیه قرآن، آن چنان که هست، کمک کند؛ پس به دلیل این محدودیتها در آوردن نمونه‌ها و شواهد، انصاف و رعایت این جنبه‌ها اقتضا می‌کند که به این مسائل توجه شود و تا آنجا که امکان دارد نمونه‌هایی طرح گردد که این محدودیتها کمتر دامنگیر جمله‌ها بشود. همچنین با توجه به میزان کمی کاربرد نشانه‌ها و پرهیز از پراکندگی سخن - و نیز رعایت اختصار - بیشتر مدار بحث بر نشانه‌هایی است که استفاده فراوانتر و فراگیری بیشتری دارد نه تمام نشانه‌ها.

در آغاز و قبل از هر سخنی لازم است هر یک از ترجمه‌ها با ذکر مشخصات و به ترتیب چاپ معرفی گردد:

۱ - قرآن مجید با ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی و ویراستاری آقای موسی اسوار که

توسط انتشارات سروش منتشر، و به علت استقبال علاقه‌مندان خوشبختانه تاکنون چندین بار نیز تجدید چاپ شده است (چاپ سوم این ترجمه مبنای نقل قرار گرفته است).

۲- قرآن مجید با ترجمه استاد محترم دکتر سیدجلال‌الدین مجتبوی و ویراستاری آقای حسین استاد ولی که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات حکمت در شکلی نفیس همراه با زیرنویسهایی نسبتاً زیاد منتشر شده است.

۳- قرآن مجید با ترجمه استاد آیه‌الله مکارم شیرازی و ویراستاری آقای جواد محدثی که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۳ توسط دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی قم، منتشر گردیده است.

به خاطر رعایت اختصار و پرهیز از تکرار، نقل نمونه‌ها فقط با همین شماره‌ها صورت می‌گیرد.

نقطه

نقطه، نشانه مکث کامل است که در پایان جمله‌های خبری و امری می‌آید؛ البته منظور، جمله‌ای است که از نظر دستوری کامل باشد که غالباً و معمولاً در پایان چنین جمله‌هایی، فعل، تمام‌کننده جمله است. لازم به یادآوری است که در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم به جای نقطه، نشانه پرسش می‌آید.^۴

براساس آنچه در هدف به کارگیری این نشانه‌ها نیز گفته شد بایسته است به دو نکته توجه اساسی شود:

۱- گذاشتن نقطه و یا نشانه پرسش در پایان جمله، انتظار خواننده را برای ادامه جمله از بین می‌برد و او باید هنگام دیدن نشانه‌ها خبری بودن یا پرسشی بودن جمله را همراه با تمام شدن آن دریابد که اگر چنین نشد، معلوم است او جمله را بدرستی نخوانده و یا نشانه نابجا به کار رفته است و در هر حال باید جمله را دوباره از آغاز بخواند تا اشتباه را جبران کند؛ پس توجه نکردن به کاربرد درست، خواننده را در خواندن متن دچار مشکل خواهد کرد.

۲- آوردن "واو" پس از نقطه در آغاز جمله غلط است زیرا نقطه، نشانه مکث کامل

و پایان یافتن جمله از نظر دستوری است و حرف "واو" فقط نشانه ربط و پیوند، بر خلاف زبان عربی که به این حرف جهات کاربردهای مختلف می‌تواند در آغاز جمله نیز بیاید اما در زبان فارسی چنین نیست و بویژه در نگارش فارسی امروز، جمله هیچ‌گاه با واو شروع نمی‌شود.

ذیلاً نمونه‌هایی از نادرستی کاربرد این نشانه ارائه می‌گردد:

نمونه از ترجمه شماره یک: سوره طه آیه ۱۲۱- از آن درخت خوردند و شرمگاهشان در نظرشان از دو سو پیدا شد. و همچنان برگ درختان بهشت بر آنها می‌چسبیدند.

(کاملاً معلوم است که جمله ادامه دارد، لذا آوردن نقطه قبل از واو نادرست است.)
سوره زمر آیه ۲۹- مردی را که چند تن در او شریکند و بر سر او اختلاف دارند. و مردی که تنها از آن یکی باشد. آیا این دو با هم برابرند؟
(با کمی دقت آشکار می‌شود که هر دو نقطه - که هر کدام نشانه پایان یافتن یک جمله است - داخل یک جمله صورت گرفته و نادرست است.

سوره کهف آیه ۲- کتابی عاری از انحراف. تا مردم را از خشم شدید خود بترساند و... (گذاشتن نقطه قبل از حرف "تا" بی‌توجهی به وجود این کلمه است.)

در این ترجمه، پاورقی‌هایی نیز برای توضیح نکته‌ها و یا بیان موارد تفسیری آمده است که در عبارات آنها نیز این بی‌دقتی تا حدودی رخ داده است؛ برای نمونه می‌توانید به پاورقی‌های صفحه ۴۶۲ در توضیح آیه ۲۳ سوره زمر و نیز دو پاورقی صفحه ۳۴۴ در توضیح آیات ۲۰ و ۲۷ سوره مؤمنون نگاه کنید.

نمونه از ترجمه شماره دو: سوره هود آیه ۴۷- گفت: پروردگارا، من به تو پناه می‌برم از اینکه چیزی از تو بخواهم که مرا بدان دانشی نیست. و اگر مرا نیامرزی و بر من نبخشایی از زیانکاران باشم. (نقطه در وسط جمله آمده و نادرست است.)

در این ترجمه نیز پاورقی‌هایی افزونتر از ترجمه شماره یک و سه آمده که در مواردی - البته کم - جای نشانه نقطه نادرست است از جمله ص ۴۰۴ که چنین است: ۱- این بر سبیل تهدید و وعید است. و بزودی سرانجام کفر و ناسپاسی خود را بدانند و به کیفر

رسند.

همچنین به پاورقی ص ۲۹۱ نگاه کنید که برای رعایت اختصار از نقل آن صرف نظر می‌شود. لازم است این نکته گفته شود که وجود این نادرستی کاربرد در ترجمه شماره دو بمراتب از ترجمه‌های شماره یک و سه کمتر است.

نمونه از ترجمه شماره سه: سوره بقره انتهای آیه ۱۰۲- آنها قسمتهایی را فرا می‌گرفتند که به آنان زیان می‌رسانید و نفعی نمی‌داد. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار این‌گونه متاع باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می‌دانستند!

(در وسط جمله دو جا نقطه آورده که هر دو جا نادرست است.)

سوره بقره آیه ۹۶-... در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. (همان‌گونه که گفته شد آوردن نقطه و بلافاصله ذکر "واو" نادرست است.)

در این ترجمه بر خلاف دو ترجمه دیگر، پاورقی توضیحی و یا تفسیری نیامده است، اما در چند صفحه آخر که توضیحی درباره ترجمه از مترجم محترم و نیز تشکر و سپاسی که از جانب ناشر محترم به چاپ رسیده باز همین اشکال را دارد که نقطه در جای نادرست گذاشته شده است؛ علاقه‌مندان به صفحات پایانی این ترجمه مراجعه کنند.

ویگول

ویگول، نشانه مکث کوتاه و کاربرد آن در بیشتر موارد، تابع لحن کلام و ادای جمله مطابق منظور نویسنده است. بر این نکته باید تأکید کرد که بویژه زیاده روی در کاربرد ویگول پسندیده نیست زیرا عموماً و غالباً منظور از کاربرد ویگول، نشان دادن مکثی است که از جانب نویسنده به خواننده ضرورتاً القا می‌شود و یا مکثی که اگر هنگام خواندن صورت نگیرد، خواننده را در درست خواندن دچار اشتباه می‌کند؛ پس جایی که خواننده خود بخود و بدون توجه دادن نویسنده و به هنگام خواندن، مکث می‌کند یا کلمه‌هایی که حرف یا صدای آخر آنها طوری است که به هیچ‌وجه امکان متصل

خواندن یا گونه دیگری خواندن و یا اشتباه خواندن وجود ندارد، گذاشتن ویرگول، زاید، بی معنی و ناپسند است.

توجه نکردن به این مسأله مهم باعث می شود که تعداد زیادی نشانه بدون علت وجه در نوشته بیاید و از توجه دقیق خواننده در جاهای لازم بکاهد. ذیلاً موارد جزئی تر به همراه نمونه‌ها از هر ترجمه ارائه می شود:

نمونه از ترجمه شماره یک: سوره بقره آیه ۲۵۵- نگهداری آنها، بر او دشوار نیست. (پس از کلمه آنها گذاشتن ویرگول هیچ ضرورتی ندارد چرا که نه می توان عبارت را به گونه ای دیگر خواند و هم طبیعتاً مقداری مکث خودبخود انجام می گیرد. معمولاً گذاشتن ویرگول قبل از حروف اضافه زاید است.)

سوره اعراف آیه ۱۱۵- گفتند: ای موسی، آیا نخست تو می افکنی، یا ما بیفکنیم؟ (اینجا نیز آوردن ویرگول قبل از حرف "یا" زاید است.)

سوره طه آیه ۱۱۷- گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند، که نگو نبخت شوی.

(هنگامی که حرف "که" به عنوان حرف ربط مستقل می آید، گذاشتن ویرگول قبل از آن غلط است؛ مانند همین مثال و کاربرد سوره زمر آیه ۲۲ همین ترجمه)

سوره زمر آیه ۲۳- خدا بهترین سخن را نازل کرده است... که از تلاوت آن کسانی را که از پروردگارشان می ترسند از خوف تن بلرزد.

(در این جمله بعد از کلمه آن و نیز پس از کلمه "خوف" آوردن ویرگول لازم است که در متن نیامده، زیرا امکان اشتباه و متصل خواندن خواننده زیاد است.)

در این ترجمه متأسفانه ویرگولهای زیاد فراوان است، مواردی هم وجود دارد که گذاشتن ویرگول ضروری است اما مورد غفلت قرار گرفته است؛ از جمله سوره بقره آیه ۱۷۵ قسمت پایانی آیه (میان دو کلمه آتش و شکیب).

نمونه از ترجمه شماره دو: سوره احزاب آیه ۶۰- اگر منافقان و کسانی که در دلهاشان بیماری است و آنان که در مدینه خبرهای دروغ می پراکنند [از این کار بید خود] باز نایستند هر آینه تو را بر ضد آنان برانگیزیم سپس در آن (مدینه) در کنار تو نباشند...

(پس از آمدن فعل شرط و قبل از شروع جزای شرط، آوردن ویرگول لازم است، بنابراین قبل از کلمه "هر آینه" باید ویرگول بیاید. همچنین قبل از کلمه "سپس" نیز آوردن ویرگول لازم است.)

سوره فتح آیه ۱۱- واپس ماندگان [از جنگ]، از بادیه نشینان، خواهند گفت: مالها و زنان و فرزندانمان ما را سرگرم داشتند...

(بعد از گروه و پراتر، در میان جمله، معمولاً گذاشتن هر نشانه ای و از جمله ویرگول بی معنا و زاید است به این دلیل که حداقل هدف ویرگول که مکث باشد، خودبخود برآورده می شود.)

در این ترجمه خوشبختانه موارد نادرستی کاربرد ویرگول بسیار کم است. نمونه از ترجمه شماره سه: سوره عمران آیه ۳۵- (به یاد آورید) هنگامی را که همسر "عمران" گفت: خداوندا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که "محرّر" (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من پذیر، که تو شنوا و دانایی! (در این جمله همه ویرگولها بی معناست و ویرگول آخر قبل از حرف "که" نیز غلط است.)

سوره یونس آیه ۵- او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ (ویرگول پس از کلمه روشنایی هیچ دلیلی ندارد و قبل از حرف "تا" گفته شد که زاید و نادرست است.)

متأسفانه در این ترجمه ویرگولهای زاید و بی معنی فراوان به کار رفته به گونه ای که خواننده بواقع نمی تواند به هیچ کدام از آنها وقتی بنهد؛ امید است در ویرایش دوم به این مهم توجهی اساسی بشود.

سوره بقره آیه ۱۳۰- جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است. (ویرگول قبل از پراتر و نیز داخل پراتر و همچنین ویرگول در پایان جمله قبل از حرف "از" هیچ هدف و منظور القایی را نمی رساند، زیرا همان گونه

که گفته شد در این قبیل موارد، خودبخود مکث انجام می‌شود.

نقطه ویرگول

این نشانه که ترکیبی از نقطه و ویرگول است، کاربردی دقیق و مناسب دارد و طبعاً بی‌توجهی به کاربرد آن نیز می‌تواند مخّل به وضع آن و در نتیجه، نادرستی بیان در عبارت شود.

کاربرد این نشانه در عبارات فارسی به مراتب از ویرگول و نقطه کمتر است و فقط به مواردی محدود خلاصه می‌شود.

نقطه ویرگول، نشانه مکثی طولانی‌تر از ویرگول و حد فاصل ویرگول و نقطه است که به نقطه نزدیکتر است. به طور کلی می‌توان گفت که کاربرد عام آن در دو جا است:

۱) وقتی جمله از نظر دستوری تمام، و در پایان آن به نقطه نیاز است ولی جمله یا عبارت توضیحی و تکمیلی در انتهای جمله به گونه‌ای متصل با جمله قبل می‌آید که این جمله توضیحی یا تکمیلی، خود یک جمله مستقل نیست، بلکه به تبع جمله قبل آمده است؛ پس نقطه به اعتبار جمله مستقل قبل و ویرگول به اعتبار جمله غیرمستقل بعد می‌آید.

۲) وقتی چند جمله که یک فاعل دارند، پشت سرهم ذکر می‌شوند و فاعل فقط در جمله اول مذکور است، به این اعتبار که فاعل جمله‌های بعدی در جمله اول ذکر شده، میان این جمله‌ها و در پایان هر یک از آنها نقطه و ویرگول می‌آید.

با توجه به آنچه گفته شد، آوردن "واو" پس از نقطه و ویرگول نیز درست مانند آوردن "واو" پس از نقطه نادرست و غلط است، چون نقطه از حکم کلی خودش، که پایان بخشیدن به جمله باشد، ساقط نمی‌شود، زیرا همان‌گونه که گفته شد، اصالت در کاربرد این نشانه ترکیبی با نقطه است که در پایان جمله آمده است به گونه‌ای که اگر ادامه جمله نباشد باید به راحتی بتوان ویرگول را حذف کرد. بار دیگر بر این مهم تأکید می‌شود که کاربرد این نشانه مثل نقطه و یا ویرگول چندان گسترده نیست، بلکه به موارد محدودی خلاصه می‌شود که دقت نظر نویسنده را در ابتدا و پس از آن توجه دقیق خواننده را

می‌طلبد.

به طور کلی می‌توان گفت که بجز ترجمه شماره دو در دو ترجمه دیگر و بویژه در ترجمه شماره سه تا حدود زیادی به هدف و معنای کاربرد این نشانه اصلاً توجه نشده و موارد زیادی از نادرستی کاربرد مشهور است. ذیلاً نمونه‌هایی ارائه می‌شود؛ نمونه از ترجمه شماره یک: سوره مؤمنون آیه ۲۰- و درختی است که در طور سینا می‌روید. روغن می‌دهد و...

این جمله از نمونه‌های دقیق مورد دوم کاربرد نقطه ویرگول است، چرا که فاعل جمله دوم (روغن می‌دهد) فقط در جمله قبل آمده، لذا حتماً باید با نقطه ویرگول با جمله قبل ارتباط بیابد که چنین نشده است.

سوره نساء آیه ۱۷۱-... هر آینه عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریم القا شد و روحی از او بود. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگوئید که سه چیزند. از این اندیشه‌ها باز ایستید که خیر شما در آن خواهد بود. جز این نیست که الله خدایی است یکتا. منزّه است از اینکه صاحب فرزندی باشد. از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و خدا کارسازی را کافی است.

در این عبارت قبل از کلمه‌های "پس" و "از این" و "منزّه" و "از آن" آوردن نقطه ویرگول به جای نقطه لازم است که در متن جمله‌ها با نقطه از هم جدا شده‌اند.

نمونه‌ای از ترجمه شماره دو: سوره احزاب آیه ۵۹- ای پیامبر، زنان و دختران خویش و زنان مؤمنان را بگو: چادرهای خود را برخواستن فرو پوشند - خود را بپوشانند - این نزدیکتر است به آنکه شناخته شوند - به صلاح و عفت - و آزارشان ندهند؛ و خدا آمرزگار و مهربان است.

از جمله مواردی است که پس از نقطه ویرگول "واو" آمده و نادرست است. در این قبیل موارد غالباً همان ویرگول کافی است و یا نشانه‌ای نیاز ندارد.

نمونه از ترجمه شماره سه: سوره انبیا آیه ۹۱- و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش [= مسیح] را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم!

روال و سیاق جمله نشان می‌دهد که همه جمله‌ها با واو به همدیگر عطف شده و پیوند خورده است، لذا به هیچ نشانه‌ای نیاز نیست، چه برسد به نقطه ویرگول که لازمه کاربردش، حداقل، مکئی طولانی است.

سوره بقره آیه ۹۶- و آنها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود!

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این عبارت قبل از پراتنز دوم نقطه ویرگول آمده که هیچ توجیهی ندارد، زیرا جمله به هر صورت که خوانده شود، دست‌کم، به این نشانه هیچ نیازی ندارد.

نشانه تعجب

گرچه برای نام این نشانه، کلمه تعجب را آورده‌اند، اما کاربرد آن فقط به تعجب خلاصه و محدود نمی‌شود بلکه این نشانه کلاً برای اظهار حالت‌های احساسی و عاطفی مؤکد (دقت کنید، مؤکد) مثل تعجبی مشخص، جلب توجه، دعا، نفرین، دشنام، ندا و خطاب‌ی خاص، یا تحذیر و تحسین ویژه به کار می‌رود. اگر این حالتها با تأکید همراه نباشد، دلیل خاصی برای کاربرد نشانه تعجب وجود ندارد، بلکه می‌توان به مقتضای حال از هر نشانه لازم بهره گرفت.

می‌توان گفت در ترجمه شماره سه بدون توجه به کمترین و کوچکترین مورد استفاده این نشانه، در پایان بیشتر جمله‌ها به جای نقطه پایانی از این نشانه بهره گرفته شده و حال اینکه نادرست است؛ از جمله فقط به همین اندازه بسنده می‌شود که در این ترجمه، ویراستار محترم، آنقدر از این علامت استفاده کرده که آن را کاملاً از خاصیت و ویژگی انداخته است؛ مثل "ص ۶۸ آیه ۱۴۷ در دو سطر عبارت، پنج نشانه تعجب؛ ص ۷۵ آیه ۱۹۱ در سطر آخر آیه سه نشانه تعجب آمده است که اگر این نشانه‌ها حذف شود، ترجمه بسیار درست و روانی به دست می‌آید. ص ۳۰ آیه ۱۹۵ در یک سطر و نیم سه نشانه تعجب؛ سوره بقره آیه ۱۱۵ سه علامت تعجب در یک سطر عبارت به کار رفته

است؛ مگر اینکه ابتدا تعریفی خاص از این نشانه به دست داده می‌شود، که مسلماً با تعریف و هدف رایج آن کاملاً متفاوت بود، آنگاه این‌گونه سخاوتمندانه از این نشانه استفاده می‌شد.

نشانه پرسش همراه با نشانه تعجب

ابتدا باید گفت که آوردن دو نشانه، که هرکدام به تنهایی در پایان نوعی جمله می‌آید که با همدیگر کاملاً مغایر هستند و وضعی خاص و ویژه را به خواننده القا می‌کند، در کنار هم چندان کاربرد درستی نمی‌تواند داشته باشد؛ مگر اینکه از روی نوعی مسامحه و تسامح بگوییم: در نوشته‌های رسمی و علمی و برای نشان دادن تردید همراه با تعجب یا استهزا در مواردی بسیار معدود می‌توانیم این دو نشانه را به همراه هم و در پایان یک جمله بیاوریم. (گرچه چنین سختگیری و محدودیتی در نوشته‌های غیر علمی، غیر رسمی و یا فکاهی وجود ندارد.)

بر این اساس باید گفت که استفاده از این نشانه نمی‌تواند مستقلاً به عنوان یک کاربرد اصیل و مجزاً همواره دم دست نویسنده باشد، بلکه باید در مواردی معدود، محدود و ویژه، و به تعبیری اضطراری، از آن بهره گرفت.

خوشبختانه در ترجمه شماره یک علی‌رغم جستجوی فراوان نشانی از کاربرد نادرست این نشانه یافت نشد. نمونه‌ای از ترجمه شماره دو: سوره ص آیه ۲۸- مگر کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند مانند تباہکاران در زمین می‌گردانیم؟! یا مگر پرهیزکاران را مانند بدکاران می‌سازیم؟! آوردن این نشانه در پایان جمله ظاهراً ایرادی ندارد اما تکرار آن در وسط جمله‌ای که بعد از این نشانه حرف "یا" آمده است، مسلماً نمی‌تواند کاربرد درستی باشد.

در این ترجمه نیز کاربردی بسیار محدود از این نشانه انجام شده که در خور تحسین و تقدیر است؛ از جمله سوره مریم آیه ۲۹ که بحق جای علامت سؤال و تعجب با هم هست. چنین دقت نظری ایجاب می‌کند که خواننده نیز بموقع و در جای مناسب، مفهومی را که باید و لازم است، از ترجمه دریابد.

نمونه از ترجمه شماره سه: سوره بقره آیه ۱۳۳- آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت... کاربرد این نشانه در وسط این جمله با توجه به سیاق عبارت و آیه نمی تواند مبنای تعجب، سؤال و یا مسأله مؤکدّی باشد که لزوم کاربرد این نشانه را برساند؛ افزون بر اینکه به طور کلی در این ترجمه از این نشانه نیز با بی توجهی استفاده شده است؛ از جمله در آیات ۲ و ۳ از سوره یونس؛ آیات ۱۹ و ۲۷ از سوره رعد. آنچه بسیار مهم و مورد تأکید است، این است که اگر از نشانه‌ها آن چنان که باید و ضروری است، بهره گرفته شود، خواننده نیز در خواهد یافت که منظور چه بوده و برابری مفهومی ترجمه، دست کم، رعایت می شود اما اگر چنین نشود، طبیعتاً خواننده نیز این نشانه‌ها را هرز و بی هدف تلقی می کند و نقض غرض می شود.

یادداشتها

۱- نگاه کنید به: عماد افشار، حسین، شیوه نگارش فارسی در مطبوعات، دانشگاه علامه طباطبایی (ره) چاپ اول، ۱۳۷۲ ص ۹۷ به بعد.

۲- معمولاً در پایان فرهنگهای انگلیسی مبحثی به همین منظور با عنوان Punctuation اختصاص یافته است؛ علاوه بر کتابهای مستقلی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است؛ از جمله رک به:

Oxford Advanced Learner's Dictionary

و نیز:

New Punctuation England: Long man Gordon Ian (1989)

۳- به عنوان نمونه نگاه کنید به:

احمدی گیوی، حسن و دیگران، زبان و نگارش فارسی، سازمان سمت، ۱۳۶۷، گفتار سوم؛ این کتاب برای درس آیین نگارش و ادبیات فارسی دانشگاه‌ها تدوین شده است.

- یا حقی، محمدجعفر و ناصح، محمد مهدی، راهنمای نگارش و ویرایش، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، چاپ هشتم، ۱۳۶۸، بخش دوم

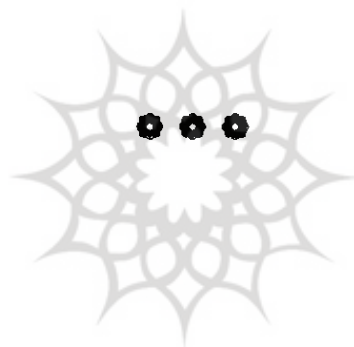
- عماد افشار، حسین، گزارش و نگارش در روابط عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره) چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵ به بعد

- احمدی گیوی، حسن، ادب و نگارش، دانشگاه علامه طباطبایی (ره) چاپ چهارم، ۱۳۶۳، بخش دهم

۴- برخی از تعاریف و کاربردها اقتباس شده از: غلامحسین زاده، غلامحسین، آیین نامه نگارش و ویرایش، سازمان سمت، ص ۱۷ به بعد و همان، ویرایش دوم، تکثیر آزمایشی قبل از چاپ، پاییز ۱۳۷۲ ص ۲۱ به بعد. تا آنجا که این پنده اطلاع دارد، این جزوه مبحث جامع و دقیقی را به نشانه گذاری فارسی اختصاص داده است. نقد منابع نگارش فارسی فرصت دیگر می طلبد.

۵- در فارسی حرف "واو" بجز کاربرد عطف و ربط کاربرد مستقل دیگری ندارد؛ ر.ک. به: خاتلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، جلد سوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۵، ص ۴۲۱ و نیز: احمدی گیوی، حسن / انوری، حسن، دستور زبان فارسی، انتشارات فاطمی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۸ ص ۲۱۵ به بعد و نیز: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ذیل حرف واو.

۶- در زبان و ادبیات عرب، حرف "واو" کاربردهای فراوان و گسترده دارد و به خاطر هدفها و معانی گوناگون می تواند در آغاز جمله هم بیاید؛ از جمله ر.ک. به: ابن هشام، ابی محمد جمال الدین، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، حقه و فاصله و ضبط غرائب محمد محی الدین عبدالحمید، طهران، منشورات مکتبه الصادق للمطبوعات، الجزء الثانی، ص ۳۵۴ به بعد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی